

معیارهای شناخت آیات و سور مکی و مدنی

قاسم فائز

دانشکده الهیات، دانشگاه تهران

چکیده:

این مقاله تعاریف «مکی» و «مدنی» را بررسی می‌کند و روشهای سماعی و قیاسی شناخت آیات مکی و مدنی را طرح می‌نماید و گزارشی کوتاه از کار مستشرقان در این زمینه ارائه می‌دهد، سپس به بیان اهمیت و فواید شناخت آیات مکی و مدنی می‌پردازد و آنگاه ویژگیها و نشانه‌های لفظی و معنوی و بلاغی هر یک از آیات مکی و مدنی را دسته‌بندی و بررسی می‌کند.

کلید واژه‌ها: مکی و مدنی، سماعی، قیاسی.

اغلب کتابهای علوم قرآنی به دلیل اهمیت اصطلاح مکی و مدنی، مباحثی را بدین موضوع اختصاص داده‌اند و حتی برخی از علمای اسلامی در این باب کتب مستقلی تألیف کرده‌اند (سیوطی، ۳۶/۱) و دانشمندانی چون ابوالقاسم نیشابوری (د ۴۰۶ق) کسانی را که از این موضوع آگاهی ندارند، از ورود به حوزه تفسیر قرآن برحذر داشته‌اند (زرکشی، ۱۹۲/۱). اصطلاح مکی و مدنی را پیامبر (ص) وضع نکرده است، بلکه بعدها آن را علمای اسلامی وضع کرده و در چند و چون آن سخن گفته‌اند (حکیم، ۴۴). باقلانی می‌گوید: اگر از پیامبر (ص) در این باره، چیزی وارد شده بود، قطعاً پخش می‌شد. پیامبر (ص) این کار را نکرد، چون خدا آن را از او نخواستہ بود. اما بر علمای اسلامی لازم است که برای شناخت بعضی از آیات - آیات ناسخ و منسوخ - آیات مکی و مدنی را بشناسند. به دلیل عدم تشریح و وجوب شناخت آیه‌های مکی و مدنی، این آیات

لاجرم از طریق صحابه و تابعین شناخته می‌شود و از آنجا که این علم از علوم واجب نبوده است، صحابه و تابعین نیز در بیان تاریخ آیات دقت و اهتمام نورزیده‌اند، از این رو در دوره‌های بعد در تشخیص آن، اختلاف پیش آمده است. پس به خاطر عدم وجوب شناخت تاریخ نزول آیات جایز است که انسان در این مورد، یا توقف کند، یا نظریه زمانی (← سطور بعد) را ترجیح دهد (خلاصه سخن باقلانی، زرکشی، ۱/۱۹۱).

تعاریف مکی و مدنی

در اغلب کتب علوم قرآنی، سه تعریف بر مبنای سه عنصر خطاب، مکان و زمان برای آیات مکی و مدنی ذکر نموده‌اند. صبحی صالح (ص ۱۶۹) یک تعریف نیز بدان افزوده است که مبنایش موضوع آیات است، که اینک به ترتیب به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱. خطاب: بر این مبنا آیه مکی آیه‌ای است که خطاب به اهل مکه باشد، و آیه مدنی آیه‌ای است که خطاب به اهل مدینه باشد (زرکشی ۱/۱۸۷).

این تعریف جامع و مانع نیست؛ چون در قرآن کریم آیات فراوانی هست که نه خطاب به اهل مکه است و نه خطاب به اهل مدینه، مانند: «یا ایها النبی اتق الله و لاتطع الکافرین و المنافقین» (احزاب، ۱؛ زرقانی، ۱/۱۹۶)، «یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً» (بقره، ۱۶۸). از این گذشته، خطابه‌های قرآن عام است و اگر هنگام نزول منطبق با اهل مکه یا مدینه بوده است به این معنا نیست که مختص یکی از آنهاست و راهنمایی یا نصیحت یا حکم شرعی آن فقط شامل یکی از آن گروه می‌شود؛ بلکه آن خطابه‌ها مادامی که لفظش عام است، خطاب و محتوایش نیز عام است (حکیم، ۴۴). در عین حال اینها همه بدان معنا نیست که شناخت مخاطبان آیات بی فایده است. بلکه بر عکس، شناخت مخاطبان آیه از قرائن مسلم فهم آیه می‌باشد (میرمحمدی، ۳۲۶).

۲. مکان: آیه مکی آیه‌ای است که در مکه نازل شده و آیه مدنی آیه‌ای است که در مدینه نازل شده است (زرکشی ۱/۱۸۷). باید توجه کرد که اطراف مکه مثل منی و عرفات و حدیبیه نیز جزو مکه، و اطراف مدینه مثل بدر، احد و سلع نیز جزو مدینه محسوب می‌شود (سیوطی، ۹/۱).

این تعریف نیز جامع و مانع نیست، زیرا شامل آیاتی که در سفرها نازل شده است نمی‌شود (سیوطی، ۳۷/۱)؛ مثل آیه «لوکان عرضاً قریباً و سفرأً قاصداً لَاتَبْعُوكَ» (توبه، ۴۲) که در محل تبوک نازل شده است و مثل «وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (زخرف، ۴۵) که در بیت المقدس در شب اسراء نازل شده است (زرقانی، ۱۹۵/۱) و نیز مثل سوره فتح که همه یا قسمتی از آن، هنگام بازگشت پیامبر (ص) از حدیبیه نازل شده است (میرمحمدی، ۳۲۷). از این گذشته، ملاک قرار دادن مکان نزول و در نظر نگرفتن زمان نزول، ما را از فواید این بحث که تشخیص ناسخ و منسوخ و شناخت مراحل دعوت پیامبر اکرم (ص) است محروم می‌سازد (حکیم، ۴۵). در حدیثی از حضرت پیامبر (ص) نقل شده است که: «أَنْزَلَ (الْقُرْآنَ) فِي ثَلَاثَةِ أَمْكَنَةٍ: مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَالشَّامَ».

ابن کثیر می‌گوید مقصود از شام، تبوک است (سیوطی، ۲۳/۱). البته این، تخصیص بی‌مورد است؛ زیرا که آیه ۴۵ سوره زخرف در بیت المقدس نازل شده است (زرقانی، ۱۹۵/۱). با توجه به این حدیث، باید آیات سه قسمت در نظر گرفته شود: مکی، مدنی و شامی. ولی ظاهراً به خاطر اینکه اغلب آیات قرآن در مکه یا مدینه نازل شده، آیه‌ها فقط به مکی و مدنی تقسیم شده‌اند.

این تقسیم نیز دارای معایب مذکور است. در عین حال، شناخت مکان نزول آیات البته خالی از فایده نیست و از قرائن مفهّمه سخن می‌باشد (میرمحمدی، ۳۲۶).

۳. زمان: آیه مکی آیه‌ای است که قبل از هجرت نازل شده است و آیه مدنی آیه‌ای است که بعد از هجرت نازل شده است ولو در مکه (نک: زرکشی، ۱۸۷/۱). زرکشی در تعریف آیه مکی می‌گوید: آیه مکی، آیه‌ای است که قبل از هجرت نازل شده باشد، هر چند در مدینه. قید «هرچند در مدینه» بی‌جاست؛ زیرا قبل از هجرت هیچ آیه‌ای در مدینه نازل نشده و هیچ مورخی ننوشته که پیامبر (ص) پس از بعثت و قبل از هجرت به مدینه سفر کرده است.

یحیی بن سلام می‌گوید: آیات و سوری که در راه هجرت نازل شده‌اند و آیات و سوری که بعد از هجرت در سفرها نازل شده‌اند، مدنی می‌باشند (زرکشی، ۱۸۸/۱).

تعریف سوم، جامع و مانع است، چون همه آیات را در بر می‌گیرد و هیچ آیه‌ای نیست

مگر اینکه قبل یا بعد از هجرت نازل شده است. بنا بر این، تقسیم آیات براساس زمان در تحقیقات قرآنی سودمندتر است (حکیم، ۴۴)؛ زیرا همه فوایدی که برای علم مکی و مدنی برشمرده‌اند، بر این تعریف مترتب است. به همین جهت، این تعریف بیش از تعاریف دیگر شهرت یافته است و اکثر علمای اسلامی عنصر زمان را به عنوان ملاک تقسیم آیات به مکی و مدنی پذیرفته‌اند. بر این اساس بعضی از محققان گفته‌اند: ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی می‌باشد یعنی تقریباً $\frac{3}{4}$ قرآن (۴۷۶۳ آیه) مکی است و $\frac{1}{4}$ آن (۱۴۶۵ آیه) مدنی می‌باشد (روحانی، ۱۶۸).

البته صرف دانستن این که یک آیه قبل از هجرت نازل شده است یا بعد از آن، برای رسیدن به فواید این بحث که تشخیص ناسخ و منسوخ و سیر تحول جامعه اسلامی است کافی نیست، بلکه باید زمان دقیق یکایک آیات را دانست. از این رو، ابوالقاسم نیشابوری به این نکته توجه کرده است و هر یک از دو دوره مکی و مدنی را به سه مرحله ابتدایی، میانی و پایانی تقسیم نموده است (صبحی صالح، ۱۶۹). بر این مبنا صبحی صالح سوره‌های نازل شده در هر یک از مراحل ششگانه را چنین بر می‌شمارد:

مرحله اول مکی: علق، مدثر، تکویر، اعلی، لیل، شرح، عادیات، تکاثر و نجم.

مرحله میانی مکی: عبس، تین، قارعه، قیامت، مرسلات، بلد و حجر.

مرحله پاپانی مکی: صافات، زخرف، دخان، ذاریات، کهف، ابراهیم و سجده.

مرحله اول مدنی: بقره، انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه، نساء و حدید.

مرحله میانی مدنی: محمد، طلاق، حشر، نور، منافقون، محادله و حجرات.

مرحله پایانی مدنی: تحریم، جمعه، مائده، توبه و نصر (صبحی، ۱۸۵-۲۳۳).

در تعیین سوره‌های مراحل مکی، مخصوصاً در شروع و وحی، تحصیل قطع و یقین دشوار است. اما تعیین سوره‌های مراحل مدنی آسان‌تر است. شاید علت آن انتشار اسلام و رواج نسبی استفاده از وسایل نگارش و نقل در مدینه باشد (صبحی صالح، ۲۳۰-۲۳۱).

با وجود اینکه مبنای تعریف مشهور آیات و سوره مکی و مدنی زمان نزول آیات قرآن کریم است که بر محور هجرت می‌باشد، ملاحظه می‌شود که در نامگذاری آن، عنصر مکان (مکه و مدینه) کاملاً حضور دارد. از این رو به عقیده شادروان رامیار

(ص ۶۰۳)، بهتر است در نامگذاری آیات و سور به جای دو اصطلاح «مکی» و «مدنی» از دو اصطلاح «پیش از هجرت» و «پس از هجرت» استفاده شود.

به نظر می‌رسد که نظر علمای اسلامی ابتدا به مکان نزول آیات و سور معطوف بوده است و به همین جهت، اصطلاح مکی و مدنی را برگزیده‌اند. آنگاه رفته رفته علمای بعدی متوجه عنصر زمان و فواید آن شده‌اند، ولی همچنان عنوان قبلی را به کار برده و آن را تغییر نداده‌اند. این نوع کاربرد عناوین را در علم بلاغت «مجاز به اعتبار ماکان» گویند. شاید آنچه سبب این تسامح در نامگذاری شده است - علاوه بر مطالب ذکر شده قبلی - این باشد که همه آیاتی که پیش از هجرت نازل شده‌اند در مکه نازل گشته و اغلب آیاتی که بعد از هجرت نازل شده‌اند، در مدینه نازل گشته‌اند.

وصف سوره‌ای به مکی یا مدنی، یا براساس اغلب آیات آن است و یا بر اساس آیه آغازین آن. در روایت نیز آمده است که «هرگاه آغاز سوره‌ای قبل از هجرت نازل شده باشد، آن سوره مکی شمرده می‌شود، سپس خداوند هر چه بخواهد در آن می‌افزاید (زرقانی، ۲۰۲/۱). زرقانی همچنین می‌گوید «باتوجه به تعریف مشهور در مکی و مدنی، مناسب‌تر آن است که آغاز سوره ملاک قرار بگیرد. اگر آغاز سوره‌ای قبل از هجرت نازل شده باشد مکی نوشته شود و اگر آغاز سوره‌ای بعد از هجرت نازل شده است، مدنی نوشته شود (همانجا). البته این بحث وقتی پیش می‌آید که تداخل آیات مکی و مدنی در یک سوره پذیرفته شود.

۴. موضوع: صبحی صالح می‌گوید: ما عنصر چهارمی را نیز در آیات می‌بینیم که عبارت از موضوع است. مثلاً سوره ممتحنه درباره حاطب بن ابی بلتعنه که با نامه، قریش را از حرکت پیامبر (ص) به سوی مکه آگاه ساخت از لحاظ مکان، در مدینه نازل شد؛ از لحاظ زمان، بعد از هجرت است و از لحاظ مخاطب، مربوط به اهل مکه است و از لحاظ موضوع، یک راهنمایی اجتماعی برای مؤمنان می‌باشد. همچنین آیه «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعروباً و قبائل لتعارفوا...» (حجرات، ۱۳)، از لحاظ مکان در مکه نازل شده است و زمان آن در روز فتح، بعد از هجرت است و از لحاظ اشخاص، خطاب به اهل مکه و مدینه به طور یکسان می‌باشد و از لحاظ موضوع، هدفش دعوت به آشنایی یکدیگر و یادآوری وحدت اصل انسانها و مساوات است.

البته شکی در برتری تقسیم بر اساس عنصر زمان نیست، ولی عنصر مکان و خطاب و موضوع اموری ثانوی هستند که همراه وقایع و رویدادها می‌باشند (صبحی صالح، ۱۶۹). پس هر آیه در آن واحد، دارای زمانی خاص و مکانی خاص و موضوعی خاص و شخصی خاص است و علما در پرتو علم مکی و مدنی به همه این ابعاد رسیده‌اند (همو، ۱۶۷).

روش شناخت آیات مکی و مدنی

به گفته جعبری، شناخت مکی و مدنی دو راه دارد: سماعی و قیاسی (زرکشی، ۱۸۹/۱). منظور از سماعی روایات صحابه است، و منظور از قیاسی علایمی است که از طریق عقل و اجتهاد برای آیات مکی و مدنی ذکر شده است. صبحی صالح می‌گوید روایات صحیح تنها راه تشخیص است، روایاتی که تنها از صحابه که شاهد مکان و زمان وحی بودند وارد شده باشد و یا از تابعینی که از صحابه شنیده باشند (صبحی، ۱۷۸). صحابه آگاهی کاملی در این زمینه داشته‌اند؛ چنانکه علی (ع) می‌فرماید: «والذی لا اله غیره، ما نزلت آیه من کتاب الله تعالی الا و انا اعلم فیمن نزلت و این نزلت». نظیر همین روایت از ابن مسعود نیز نقل شده است (سیوطی، ۱۴/۱).

تکیه بر روایات صحیح با اعمال فکر و اجتهاد - مخصوصاً در آیاتی که روایاتی درباره آنها نداریم - منافات ندارد. این اجتهاد صور مختلف دارد؛ گاه در مورد سوره‌هایی است که بین مکی و مدنی بودنشان اختلاف است، و گاه در مورد آیاتی است که از سوره مکی و مدنی استثنا می‌شود، و گاه در ترتیب سوره‌هایی است که در مکه یا در مدینه نازل شده است، و گاهی در ویژگی‌های بیانی یا موضوعی هر یک از سوره‌های مکی و مدنی است. (صبحی، ۱۷۸/۹). مثلاً سیوطی در الاتقان (۱۹/۱) فصلی را به سوره‌های اختلافی اختصاص داده و با نوعی اجتهاد رفع اختلاف نموده است (صبحی، ۱۷۹، حاشیه ۳). زرکشی می‌گوید بسیاری از جزئیات مکی و مدنی که به ما رسیده، ثمره اجتهاد است. در حصول علم به چیزی، عقل مثل نقل و قیاس مثل سماع می‌باشد و منظور جعبری از این که می‌گوید: «المعرفة المکی والمدنی طریقان، سماعی و قیاسی» همین است (زرکشی، ۱۸۹/۱). زرکشی می‌خواهد بگوید که منظور جعبری این نیست

که شناخت مکی و مدنی یکی از این دو راه میسر است، بلکه منظورش این است که سماع و قیاس هر دو به کمک یکدیگر، مکی و مدنی را به ما می‌شناسانند. صبحی صالح درباره روایات این نکته را هم متذکر می‌شود که «در میان علوم قرآنی، علم مکی و مدنی بیش از همه به تحقیق و تشخیص صحیح از ناصحیح با استفاده از تاریخ صحیح نیازمند است (ص ۱۶۷)».

مستشرقان و تعیین سوره‌های مکی و مدنی

در نیمه قرن نوزدهم، مستشرقان تلاشهایی برای تعیین ترتیب سوره‌های قرآن انجام داده‌اند (نک: همو، ۱۷۶) که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

ویلیام مویر: او اساس کار خود را بر روایات قرار داده است و آنها را به جَد نقد و بررسی کرده است، ولی با وجود این، اشتباهات زیادی مرتکب شده و بر روایاتی سست تکیه نموده (صبحی، ۱۷۶) و در تاریخ‌گذاری آیات سهل‌انگاری فراوانی کرده است (بلاشر، ۲۷۳). از نظر او سوره‌های مدنی به ترتیب عبارت‌اند از: بقره، محمد، حدید، انفال، طلاق، بینه، جمعه، حاقه، نور، منافقون، فتح، صف، نساء، آل عمران، احزاب، ممتحنه، تحریم، حجرات، توبه (بدوی، ۶۶).

ویل: او در ترتیب خود برای روایات هیچ اهمیتی قائل نیست (صبحی، ۱۷۶) و سوره‌ها را به سه معیار: اشارات قرآن به حوادث معروف، محتوای متن قرآن و سبک آیات، به چهار دوره (سه دوره مکی و یک دوره مدنی) تقسیم می‌کند (بلاشر، ۲۷۵).

نولدکه: او روش ویل را اساس قرار می‌دهد و به کمک شفالی و با استفاده از کتب تاریخ و اسباب نزول و اسلوب ویژگی‌های بیانی قرآن تعدیلاتی را در ترتیب ویل انجام می‌دهد (صبحی، ۱۷۷). او سوره‌های مدنی را به این صورت مرتب می‌کند: بقره، بینه، تغابن، جمعه، انفال، محمد، آل عمران، صف، حدید، نساء، طلاق، حشر، احزاب، منافقون، نور، مجادله، حج، فتح، تحریم، ممتحنه، نصر، حجرات، توبه، مائده (بدوی، ۸۴)، و بقیه سوره‌ها را مکی می‌شمارد.

بلاشر: او نیز متأثر از ویل و نولدکه است و معتقد است که مهمترین رکن در ترتیب سوره‌ها خود قرآن است و روایات و سیره پیامبر (ص) تنها می‌تواند مؤید باشد نه مکمل

(صبحی، ۱۷۷). وی می‌گوید: نباید از سیره و روایات در ترتیب سوره‌ها استفاده نمود (بلاشر، ۲۷۷). ترتیب بلاشر تقریباً همان ترتیب نولدکه است و سوره‌هایی را که از لحاظ موضوع مشابه‌اند پشت سرهم قرار داده است، بدون اینکه اساسی علمی یا تاریخی ارائه دهد. و تعداد سوره‌ها را به ۱۱۶ رسانده است، به این ترتیب که هر یک از سوره‌های علق و مدثر را به دو سوره تقسیم نموده است (بدوی، ۸۸، ۸۹). البته او معترف است که ترتیبش خالی از تکلف نیست (صبحی، ۱۷۷) و اساساً بسیاری از سوره‌ها قابل طبقه‌بندی نیستند (بلاشر، ۲۸۶).

گريم: شیوه‌اش به شیوه مسلمانان نزدیک است و از روایات و اسناد اسلامی استفاده می‌کند، ولی روایات ضعیف و حتی باطل را جدا نمی‌کند و گاهی نیز روش نولدکه را به کار می‌گیرد (صبحی، ۱۷۵، ۱۷۶) و بر اندیشه تحول مسائل دینی مثل توحید و معاد تکیه می‌کند و مثل نولدکه دوره مکه را سه قسمت می‌نماید، ولی ترتیبش با نولدکه متفاوت است (بدوی، ۸۶، ۸۷).

بل: او نیز از ویل و نولدکه متأثر است (صبحی، ۱۷۷) و معتقد است که در نبود مرجع تاریخی، اسلوب دقیق‌ترین معیار در ترتیب سوره‌ها می‌باشد و بعد از آن ترکیب جمله‌ها. البته معترف است که استفاده از این شیوه بسیار سخت است (بدوی، ۹۰).

هرشفلد: سوره‌ها را به ترتیب بر اساس محورهای زیر مرتب می‌کند:

۱. سوره علق به عنوان اولین اعلامیه؛ ۲. متون قرآنی‌ای که حاوی اثبات و تأیید است؛
۳. سوره‌های خطابی و موعظه‌ای؛ ۴. سوره‌های حاوی داستان؛ ۵. سوره‌های حاوی توصیف قیامت و بهشت و دوزخ؛ ۶. سوره‌های حاوی مقررات حقوقی (بلاشر، ۲۷۶، حاشیه ۳۶۴). بلاشر می‌گوید: این روش منجر به انفکاک و از هم پاشیدن سوره‌ها می‌شود (بلاشر، ۲۸۱).

خلاصه اینکه مستشرقان غالباً در ترتیب سوره‌ها به روایات و اسناد اسلامی اهمیت نمی‌دهند. بعضی تاریخ اسلام را اساس قرار داده‌اند و بعضی روایات را ملاک قرار داده‌اند ولی روایات صحیح را از ناصحیح جدا نکرده‌اند. آنها تصور می‌کنند که می‌توانند قرآن را بدون روایات صحیح مرتب کنند (صبحی، ۱۷۵). صبحی صالح (۱۷۷-۱۷۸) می‌گوید: تنها راه درست در ترتیب سوره‌ها، روایات صحیحی است که از صحابه که

شاهد وحی بودند یا تابعانی که از آنها شنیده‌اند به ما رسیده‌است.

فواید شناخت آیات مکی و مدنی

زرکشی می‌گوید از جمله فواید این علم، شناخت ناسخ و منسوخ است (زرکشی، ۱۸۷/۱). یعنی هرگاه دو آیه در یک موضوع وارد شود و حکم یکی مخالف دیگری باشد و بدانیم که کدام مکی و کدام مدنی است، حکم می‌کنیم به اینکه مدنی ناسخ مکی می‌باشد؛ چه مدنی قطعاً بعد از مکی نازل شده است (زرقانی، ۱۹۸/۱) زیرا که ناسخ طبیعتاً از لحاظ زمان از منسوخ متأخر است (حکیم، ۴۴). البته لازم نیست که حتماً یکی مکی و دیگری مدنی باشد، بلکه هر دو می‌توانند مکی یا مدنی باشند؛ مثل آیه نجوی که ناسخ و منسوخ هر دو مدنی هستند «اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجواکم صدقةً، أشفقتم ان تقدموا بین یدی نجواکم صدقات، فاذا لم تفعلوا وتاب الله علیکم فاقیموا الصلوة و اتوا الزکاة و اطیعوا الله و رسوله» (مجادله، ۱۲، ۱۳). آنچه لازم است، تأخر ناسخ از منسوخ می‌باشد.

از جمله فواید دیگر شناخت مخصّص از مخصّص است، البته بنا بر عقیده آن دسته از علمای اصول که قائل به تأخر مخصّص هستند (سیوطی، ۳۶/۱).

از دیگر فواید آن، شناخت تاریخ تشریح قوانین اسلامی و سیر تدریجی آن است که نتیجه آن، ایمان به برتری سیاست اسلام در تربیت ملّت‌ها و افراد می‌باشد (زرقانی، ۱۹۶/۱). علاوه بر این، شناخت زمان آیه در استدلال‌های فقهی و استنباط احکام نقش اساسی دارد. چه بسا آیه‌ای به ظاهر مشتمل بر حکم شرعی است ولی چون در مکه نازل شده است و هنگام نزول، هنوز آن حکم تشریح نشده بوده، باید راه تأویل را پیش گرفت یا به گونه‌ای دیگر تفسیر کرد، مثلاً مسأله تکلیف کافران به فروع احکام شرعی مورد بحث فقهاست و بیشتر آنها، کفار را در حال کفر مکلف به فروع نمی‌دانند و در این زمینه، دلایل و روایات فراوانی در اختیار دارند، ولی گروه مخالف به آیه ۷ از سوره فصلت تمسک جسته‌اند، آنجا که مشرکان را به دلیل انجام ندادن فریضه زکات نکوهش کرده است، غافل از این که سوره فصلت مکی است و فریضه زکات در مدینه تشریح شده است. یعنی هنگام نزول آیه مذکور، زکات حتی بر مسلمانان هم واجب نبوده است. پس

مشرکان را چرا مورد عقاب قرار می‌دهد؟ این آیه دو تأویل دارد: یکی اینکه مقصود از زکات تنها ادای صدقات بوده است که مشرکان می‌پرداختند. دوم آنکه مقصود محرومیت از ثواب ادای زکات است. چون کفر مانع پذیرفته شدن آن بوده است (طبرسی، ۴/۹؛ طباطبایی، المیزان، ۱۷/۳۸۳).

فایده دیگر این علم، در استدلالهای کلامی است که آیات مورد استناد، مخصوصاً آیاتی که در باره فضایل اهل بیت، علیهم السلام، نازل شده، بیشتر مدنی است. چون این مباحث در مدینه مطرح بوده است. برخی آن سوره‌ها یا آیات را مکی دانسته‌اند، که در این صورت نمی‌تواند مبنای استدلال قرار گیرد، بنا بر این، شناخت دقیق مکی و مدنی، یکی از ضروریات علم کلام در مبحث امامت است، مثلاً برخی تمام سوره دهر [= انسان] را مکی دانسته‌اند و گروهی مدنی، و بعضی بجز آیه ۲۴ (فاصبر لحکم ربک و لا تقطع منهم أمماً او کفوراً)، همه را مدنی می‌دانند. و دیگران هم از ابتدای سوره تا آیه ۲۲ را مدنی و بقیه را مکی می‌شمارند. ولی ما آن را تماماً مدنی می‌دانیم و آیات ۷ تا ۱۲ درباره اهل بیت، علیهم السلام، نازل شده است. طبرسی با ذکر روایات معتبر فراوانی از طریق اهل سنت و اهل بیت (ع) مدنی بودن آن را اثبات کرده است. ولی کسی مثل عبدالله بن زبیر که دشمن اهل بیت (ع) بوده است، اصرار بر مکی بودن آن دارد (معرفت، ۴۷، ۴۸).

فایده دیگر این علم، شناخت مراحل دعوت پیامبر(ص) است و هجرت حد فاصل بین دو مرحله دعوت اوست، یکی مرحله کار فردی و دیگر مرحله کار در قالب یک مملکت. اگر آیات قبل و بعد از هجرت را بازشناسیم، می‌توانیم به تحولات دعوت اسلامی و ویژگیهای کلی آن که در این دو مرحله تجلی کرده است، پی ببریم (حکیم، ۴۵). انسان پیوسته در صدد بوده است تا هر حادثه تاریخی را بشناسد و دریابد که در چه زمانی و در کجا اتفاق افتاده و عوامل و اسباب پدیدآورنده آن چه بوده است؟ بدین طریق بود که علم تاریخ به وجود آمده است. بنا بر این، دانستن سوره‌ها و آیه‌های مکی و تشخیص آنها از آیه‌ها و سوره‌های مدنی از اهمیت بسزایی برخوردار است (معرفت، ۴۷). خود شناخت تاریخ تسلسل آیات و سوره‌ها و سیر تدریجی نزول آنها از اهداف مهم فرهنگی است (همو، ۴۶). علاوه بر این، شناخت تاریخ وقایع و احکام کمک می‌کند

تا صحت و سقم بعضی از روایاتی را که مورخان یا غافلان یا متعصبان نقل می‌کنند، بازشناسیم.

فایده دیگر این علم آن است که گاهی فهم معنای سخن اعم از آیه و غیره، چه معنای وضعی و چه معنای عرفی آن، نیازمند شناخت جوّ زمانی آن است، از این رو در بسیاری از آیات، علم به مکی یا مدنی بودن آن، قرینه‌ای برای فهم معنای مقصود آیه می‌باشد (میرمحمدی، ۳۲۶).

از دیگر فواید این علم، اطمینان از عدم تغییر و تحریف قرآن است. چراکه مسلمانان به قرآن چندان توجه کرده‌اند و حتی آنچه را که قبل از هجرت یا بعد از هجرت یا در سفر یا در شب و یا در آسمان نازل شده است شناخته‌اند و به یکدیگر منتقل کرده‌اند (زرقانی، ۱۹۸/۱).

لازم به تذکر است که غالباً بر قبل و بعد از هجرت تکیه می‌شود، ولی این فوایدی که برای علم مکی و مدنی گفته‌اند، مثل تشخیص ناسخ از منسوخ و شناخت سیر تحول جامعه اسلامی و غیره، تنها از طریق تشخیص آیات قبل از هجرت و آیات بعد از هجرت حاصل نمی‌شود، بلکه باید ترتیب زمانی یکایک آیات مکی را قبل از هجرت و آیات مدنی را بعد از هجرت نیز به دست آورد.

ویژگیها و نشانه‌های آیات مکی و مدنی

شناخت آیات مکی و مدنی یا سماعی است یا قیاسی (زرکشی، ۱۸۹/۱). در درجه اول رجوع می‌کنیم به روایات صحیحی که در این باره وارد شده است. مثل این روایت که از ابن عباس نقل شده است: «کان اول ما نزل من القرآن: اقرأ باسم ربک الذی خلق» (سیوطی، ۱/۱). در کتب امامیه در این باره روایاتی هست گرچه اندک و ضعیف السند؛ مثل این روایت از حضرت علی (ع) که در تفسیر عیاشی، آمده است: «نزلت سورة المائدة قبل ان یقبض النبی شهرین او ثلاثة» (میرمحمدی، ۳۲۸) و نیز این روایت از امام باقر (ع): «... انزل علیه فی سورة بنی اسرائیل مکه: قضی ربک الاتعبدوا الا اياه... انزل بالمدينة: الزانی لاینکح الازانیة...، نزل بالمدينة: والذین یرمون المحصنات...» (میرمحمدی، ۳۲۹ به نقل از اصول کافی). تشخیص آیات مکی و مدنی را از طریق

روایات، سماعی گویند. اما روش دوم که قیاسی نام دارد، توسط مفسران وضع شده است. مفسرانی که به شناخت مکی و مدنی همت گمارده مجموعه و تاریخ آیات را از طریق روایات بدست آورده بودند، به بررسی ویژگیهای آنها پرداختند تا به مجموعه ویژگیهای کلی در آیات مکی و مدنی رسیدند و از این ویژگیها، ملاکهایی را برای سایر آیاتی که تاریخش نامعلوم است، وضع کردند. از این رو، به آیاتی که با ویژگیهای آیات مکی همخوانی داشت، مکی گفتند و آیاتی را که به خصایص کلی آیات مدنی نزدیکتر بود، گفتند مدنی است (حکیم، ۴۶). البته این ملاکها هرگز کلیت ندارد و در صورت اجتماع چندین ویژگی، اگر موجب علم و یقین شود و نص معارضی در میان نباشد، قابل اعتماد است (معرفت، ۵۱/۱). از این رو، وقتی که می بینیم سوره‌ای در اسلوب و ایجاز با سوره‌های مکی موافق باشد نمی‌توانیم بگوییم که آن مکی است. زیرا که ممکن است یک سوره مدنی نیز بعضی از ویژگیهای سوره مکی دارا باشد (حکیم، ۴۷). و این همان چیزی است که صاحب نظران علوم قرآنی می‌گویند، «ما یشبه تنزیل المدینة فی السور المکیة و ما یشبه تنزیل مکه فی السور المدینة» (زرکسی، ۱/۱۹۶؛ صبحی، ۱۷۳). مثل «و اقم الصلاة طرفی النهار» (هود، ۱۱۴) که مکی است ولی درباره احکام نماز می‌باشد و به آیات مدنی شبیه است، چون صحبت از جزئیات احکام از ویژگیهای کلی سور مدنی است. و مثل آیه «و اذ قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجارة من السماء او ائتنا بعذاب الیم» (انفال، ۳۲) که مدنی، ولی شبیه آیات مکی است و حاکی از عناد و عدم پذیرش مردم است (صبحی، ۱۷۴). صبحی صالح می‌گوید این ضوابط قیاسی که علما برای تشخیص آیات مکی و مدنی وضع کرده‌اند، بندرت تخلف یا استثنا می‌پذیرد (همو، ۱۸۸).

این نکته نیز قابل توجه است که اگر ما قائل به تداخل آیات مکی و مدنی در یک سوره باشیم، چنانچه در مکی یا مدنی بودن یک آیه به علم و یقین برسیم، می‌توانیم بگوییم که کل آن سوره مکی یا مدنی است. اما اگر قائل به تداخل باشیم، باز هم، با جدا کردن آیات استثنا شده، می‌توانیم بگوییم کل آن سوره مکی یا مدنی است و الا باید ویژگیهای یکایک آیات را بررسی کرد و درباره هر یک نسبت به مکی یا مدنی بودنش حکم داد. این ضوابط یا قیاسی هستند یا لفظی یا معنوی یا بلاغی.

ویژگیها و نشانه‌های لفظی آیات مکی

۱. هر سوره‌ای که در آن عبارت «یا ایها الناس» باشد مکی است (برهان، ۱۸۸). این ویژگی را حاکم در مستدرک و بیهقی در الدلائل از ابن عباس نقل کرده‌اند (سیوطی، ۱۷/۱). آیات «یا ایها الناس اعبدوا ربکم» (بقره، ۲۱) و «یا ایها الناس کلوا ممافی الارض حلالاً طیباً» (بقره، ۱۶۸) و آیات «یا ایها الناس اتقوا ربکم» (نساء، ۱) و «ان یشأ یدهبکم ایها الناس» (نساء، ۱۳۳) کلیت این ضابطه را نقض می‌کند. زرکشی در تکمیل این قاعده می‌گوید: به شرط اینکه «یا ایها الذین آمنوا» در آن سوره نباشد (زرکشی، ۱۸۸). از این رو در مورد سوره حج اختلاف وجود دارد، چون چهار بار «یا ایها الناس» آمده و یک بار هم «یا ایها الذین آمنوا اركعوا و سجدوا» (حج ۷۷). پس این قاعده به عنوان یک ضابطه غالبی صحیح است نه کلی (زرکشی، ۱۹۰). در توجیه این ضابطه از ابن مسعود نقل می‌کنند که: چون کفر بر اهل مکه غالب بوده است، با «یا ایها الناس» خطاب شده‌اند، اگرچه مؤمنین هم در بین آنان بوده‌اند (زرکشی، ۱۸۷). این ضابطه بجز در سوره‌های بقره، نساء و حج صادق است (میرمحمدی، ۳۳۰).

۲. هر سوره‌ای که در آن لفظ «کلاً» باشد مکی است (زرکشی، ۱۸۸/۱). این لفظ ۳۳ بار در ۱۵ سوره اواخر قرآن تکرار شده است (زرقانی، ۱۹۹/۱). عمانی می‌گوید حکمتش آن است که اکثر اهل مکه سرکش بودند و از باب تهدید و سرزنش، «کلاً» آمده است و این لفظ در مورد یهود که مخالفان پیامبر (ص) در مدینه بودند نازل نشده است (زرقانی، ۱۹۹/۱).

۳. هر سوره‌ای که اولش حروف مقطعه باشد، بجز بقره و آل عمران مکی است و در مورد رعد اختلاف است (زرکشی، ۱۸۸/۱). سوره رعد از لحاظ فکر و اسلوب به مکی نزدیکتر است (زرکشی، ۱۸۸/۱).

۴. هر سوره که در آن سجده باشد، مکی است (سیوطی، ۲۹/۱). البته اگر منظور از این قاعده ریشه و مشتقات لفظ سجده باشد، چنین نیست، چون مشتقات سجده در بقره، آل عمران، نساء، مائده و انسان که همه مدنی هستند نیز وجود دارد. اما اگر منظور امر به سجده واجب باشد، که در چهار سوره ص (سجده)، فصلت، نجم و علق است، صحیح است. این قاعده درباره سوری که سجده‌های مستحب دارند، مانند سوره‌های

اعراف (۲۰۶)، رعد (۱۵)، نحل (۴۹)، اسراء (۱۰۷)، مریم (۵۸)، حج (۱۷ - ۱۸)، فرقان (۶۰)، نمل (۲۵)، بروج (۲۱)، - بجز رعد و حج که اختلافی است - نیز درست است.

۵. هر سوره‌ای که عبارت «یا بنی آدم» داشته باشد مکی است. این سخن از میمون بن مهران است (سیوطی، ۶۸/۱). این عبارت فقط در دو سوره آمده است: سوره اعراف آیات ۲۶، ۲۷، ۳۱ و ۳۵، و سوره یس آیه ۶۰.

۶. هر سوره‌ای که در آن کلمه «الرحمن» باشد مکی است. گوینده این سخن بیهل است که از مستشرقان می‌باشد (صبحی، ۱۸۱، حاشیه ۳). کلیت این قاعده را آیه ۱۶۳ از سوره بقره رد می‌کند: «والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم» که در مدنی بودن آن اختلافی نیست (صبحی، ۱۸۱، حاشیه ۳). علاوه بر این، سوره الرحمن و رعد را نیز برخی مدنی می‌دانند (رامیار، ۶۰۶). با این همه این لفظ غالباً در سوره‌های مکی آمده است، چنانکه این در ۱۷ سوره زیر وارد شده است: فاتحه، بقره، رعد، اسراء، مریم، طه، انبیاء، فرقان، شعراء، نحل، یس، فصلت، زخرف، ق، رحمن، حشر، ملک و نبأ، که همه آنها بجز بقره مکی هستند و رعد و رحمن نیز - چنانکه گذشت - مورد اختلاف است (عبدالباقی، ۳۰۷).

۷. هر آیه‌ای که دارای الفاظ «آله» و «شركاء» باشد مکی است (روحانی، ۶۲۹). کلمه «آله» ۳۴ بار در ۱۴ سوره، و کلمه «شركاء» ۳۸ بار تکرار شده است (عبدالباقی، ۳۸۰).

۸. هر آیه‌ای که دارای اسمهای خاص «اصحاب الایکه، شعیب، قارون، و هامان» باشد، مکی است (روحانی، ۶۳۰).

۹. هر آیه‌ای که دارای ریشه‌های زیر و مشتقات آنها باشد مکی است: اسف، بضع، بلی، ترف، ثبر، خسف، شفی، شمل، صرخ، ضرع، فطر و وعی (روحانی، ۶۳۰).

۱۰. هر سوره‌ای که دارای کثرت قسم باشد مکی است (صبحی، ۱۸۳).

ویژگیها و نشانه‌های معنوی آیات و سوره‌های مکی

به گفته ابن عباس، هر سوره‌ای بجز بقره که در آن قصه آدم و ابلیس باشد مکی است.

و هر سوره‌ای که در آن قصه‌های پیامبران و ملت‌های گذشته باشد مکی است (زرکشی، ۱۸۸/۱، ۱۸۹). سیوطی بقره را استثنا می‌کند (۲۹/۱)، ولی این ضابطه خیلی دقیق نیست، چون قصه حضرت موسی (ع) در سوره‌های آل عمران، نساء، مائده و احزاب؛ قصه حضرت عیسی (ع) در سوره‌های آل عمران، نساء، مائده و حدید؛ قصه حضرت ابراهیم (ع) در سوره‌های آل عمران، نساء، توبه و ممتحنه؛ و قصه نوح (ع) در سوره تحریم که همه مدنی هستند نیز به چشم می‌خورد. زرقانی در خصوصیات سوره‌های مکی می‌گوید: پیامبر (ص) به شرک و بت پرستی و شبهاتی که بهانه اهل مکه در اصرار بر شرک و بت پرستی بود، سخت حمله کرد و برای آنها دلایل گوناگون آورد و فطرت آنها را به قضاوت دعوت کرد و بهترین مثالها را برایشان زد؛ وقتی که عناد ورزیدند و به روش پدرانشان استناد نمودند، آنها و پدرانشان را به بی‌خردی سرزنش کرد و این تقلید کورکورانه را تصحیح نمود و عقاید ناشی از بت‌پرستی، مثل انکار نبوت و معاد و مسئولیت و پاداش را فرو کوبیده، مردم را به سوی توحید راهنمایی نمود و همچنین عادات زشت آنها مثل قتل، خون‌ریزی، زنده کردن دختران و خوردن مال یتیم را محکوم کرد. سپس اصول اخلاق و حقوق اجتماعی را برایشان شرح داد و از کفر و فسق و جهل و ظلم و خشنونت در گفتار، تصویری زشت ترسیم نمود و ایمان، اطاعت، نظم، علم، محبت، رحمت، احترام به دیگران، نیکی به پدر و مادر، احترام به همسایه و عفت در کلام را در نظرشان زیبا ترسیم نمود (زرقانی، ۲۰۵). قانون حکمت اقتضا می‌کرد که در تربیت افراد روش تدریجی پیموده شود و اهم بر مهم مقدم گردد، از این روشی نیست که عقاید، اخلاق و عادات از عبادات و ریزه کاریهای معاملات مهم‌تر است و به منزله اصول می‌باشد (زرقانی، ۲۰۶). صبحی صالح در این باره می‌گوید: اهل مکه پیامبر (ص) و مؤمنان را می‌آزردند، از این رو مناسب بود که آیه زیر نازل شود: «قد نعلم انه لیحزنک الذی یقولون» (انعام ۳۳)؛ و آنان مردمی معاند بودند، از این رو امثال آیه زیر مناسب بود: «ولوفتحننا علیهم بآبأمن السماء فظلوفیه یرجون لقالوا انما سکرّت ابصارنا، بل نحن قوم مسحورون» (حجر ۱۴، ۱۵) به همین علت، در مکه آیاتی که مشرکان را بکوبد و سخت آنها را به بی‌خردی بخواند و تسلای پیامبر (ص) و مؤمنان باشد و به آنها درس گذشت پیاموزد فراوان نازل شد (صبحی، ۱۸۴). آیاتی که در مکه نازل شده درباره وحی و دین

سخن می‌گوید و قدرت خدا و آثار رحمتش را وصف می‌کند و صحنه‌های قیامت را به تصویر می‌کشد و مشرکان را به عذاب دنیوی مثل امتهای پیشین، تهدید می‌کند و بر مسؤولیت و پاداش و عقاب تاکید دارد و بسیار به مظاهر هستی قسم می‌خورد. و به مجادله با مشرکان می‌پردازد و بهشت و دوزخ را ترسیم می‌کند (همو، ۱۸۳، ۱۹۴). حکیم درباره ویژگیهای معنوی سور مکی می‌گوید: دوران مکه در حقیقت دوره تحکیم پایه‌های عقیده اسلامی است، چه در بُعد الهی، چه در بُعد غیبی، چه در بُعد اخلاقی، و چه در بُعد اجتماعی. چون اهل مکه به هیچ یک از این مسایل اعتقاد نداشتند. تأکید سور مکی بر اخلاق به خاطر این بود که اخلاق پایه نظام اجتماعی است که هدف قرآن بوده است و هر دعوتی برای موفقیت خود به برانگیختن عواطف خوب نیازمند است تا در جامعه بتواند نفوذ کند و در افراد تأثیر بگذارد، و اخلاق اساس این عواطف است. جامعه مدینه از نزدیک شاهد اخلاق عملی پیامبر(ص) بود و دیگر نیاز به تاکید آن از طریق وحی نبود، برعکس جامعه مکه که عملاً اخلاق جاهلیت بر آن حاکم بود.

ویژگی دیگر سور مکی قصه‌های فراوانی است که در آنها آمده است و به ابعاد مختلف می‌پردازد، از قبیل عقیده به خدای یکتا، جهان غیب، وحی، اخلاق، رستاخیز و پاداش، که ارتباط محکمی با شرایطی دارد که دعوت اسلامی در مکه داشته است و در رسیدن به اهدافش سخت مؤثر بوده است. البته قصه در مدینه به طور کل رها نشده است بلکه به شکل دیگری که هماهنگ با شرایط مدینه بوده، وجود داشته است.

ویژگی دیگر قرآن مکی تحدی است که قرآن از مخالفان می‌خواهد یک سوره نظیر آن بیاورند. مسأله تحدی بیانگر آن است که جدال بین پیامبر(ص) و مشرکان در آغاز در حوزه بلاغت و اصول نظری دین بوده است. از این رو، سور قصار را بیانگر این مرحله می‌بینیم، اما در جامعه مدینه این چنین نبود، چون اسلام حاکم بود و مسأله وحی مسأله‌ای واضح شده بود. ویژگی دیگر قرآن مکی این است که حجم قرآن مکی بیش از قرآن مدنی است، چون به پایه‌های عقیده اسلامی از ابعاد مختلف پرداخته و بر آنها تاکید نموده است. ولی قرآن مدنی، با وجود اینکه، مملو از حوادث بزرگ است و جامعه‌ای پیچیده‌تر و مشکلاتش بیشتر بوده است، حجم کمتری دارد (حکیم، ۶۱-۶۴). علت دیگر این است که قرآن مسائلی را که در مکه بازگو نموده و با شیوه‌های گوناگون

تاکید کرده، در مدینه دیگر نیازی به تکرارش نبوده است (همو، ۶۲).

ویژگیها و نشانه‌های بلاغی آیات مکی

۱. آیات و سوره‌های مکی غالباً کوتاه است. قرآن مکی راه ایجاز را پیموده است، چون اهل مکه اهل فصاحت بودند. از این رو، مناسب بود ایجاز و مختصرگویی پیش گرفته شود (زرقانی، ۲۰۶).

طبرانی از ابن مسعود نقل می‌کند: سوره‌های «مفصل» مکی هستند (زرقانی، ۱۹۹/۱). سخن ابن مسعود باید حمل بر اکثریت غالب شود، چون بعضی از سوره‌های مفصل، مثل سوره نصر قطعاً مدنی است و حتی گفته شده که آخرین سوره نازل شده است. سوره‌های «مفصل» سوره‌های آخر قرآن است که بنا بر قول اصح از حجرات شروع می‌شود (مناهل، ۲۰۰/۱). البته سوره‌هایی که در اواخر دوران مکه نازل شده، کمی طولانی است و آیاتش نیز بلندتر می‌باشد، مثل صافات، زخرف، دخان، ذاریات، کهف، ابراهیم و سجده (صبحی، ۲۳۰).

۲. آیات مکی آهنگین است. الفاظش زیبا و گزیده است؛ در حروفش نغمه جاری است؛ آخر آیات موزون و با قافیه می‌باشد؛ گاه همچون مادری به فرزندش مهر می‌ورزد و گاه در هم می‌کوبد و گاه فریاد می‌کشد و مسائل معنوی را به صورت اموری مادی مجسم می‌کند و به جامدات روح و شخصیت می‌بخشد و در اشیا صامت حرکت، زندگی و گفتار می‌دمد و صحنه‌ها را به صورت تابلوهایی هنری با رنگهایی زنده درمی‌آورد (صبحی، ۱۹۴-۱۹۵).

۳. لحن آیات مکی در بیشتر سوره‌ها تند و شدید است، چون اهل مکه اهل عناد، لجاح و مقاومت در برابر حق بودند (معرفت، ۵۱).

نشانه‌های لفظی آیات و سوره‌های مدنی

۱. هر سوره‌ای که دارای عبارت «یا ایها الذین آمنوا» باشد مدنی است. این سخن یحیی بن سلام است. (زرکشی، ۱۸۸/۱). ابن مسعود در توجیه این ضابطه می‌گوید. از آنجا که ایمان بر اهل مدینه غالب بود، به آنها با «یا ایها الذین آمنوا» خطاب شده است، اگرچه غیر مؤمن هم بین آنها وجود داشت (همو، ۱۸۷). این ضابطه در همه سوره‌ها

درست است. فقط در سوره حج مورد بحث می باشد که بعضی آن را مکی می دانند مثل ابن حصار (سیوطی، ۶۸) و بعضی آن را مدنی می دانند مثل زرکشی (۱/۱۹۴). در کتاب المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم نیز مقابل همه آیات دارای «یاایها الذین آمنوا» نوشته شده است: مدنی (عبدالباقی، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲).

بعضی به توجیه ابن مسعود اشکال کرده اند و گفته اند این دلیل ضعیف است، چون مؤمنان را می شود به صفت واسم و جنسشان خطاب کرد (زرکشی، ۱/۱۹۱) به نقل از باقلانی؛ سیوطی، ۱/۶۹ به نقل از رازی). استاد میرمحمدی می گوید: این دلیل حدس و تخیل است، چون خطابه های قرآن از نوع قضیه خارجی نیست، بلکه از نوع قضیه حقیقی است و در آن، کثرت و قلت افراد فرق نمی کند و هر کس عنوان خطاب را دارا باشد، و لو بعد از سالها، مشمول آن قرار می گیرد (میرمحمدی، ۳۳۰).

ویژگیها و نشانه های معنوی سوره های مدنی

در مدینه، مردم سه گروه بودند: مؤمنان اعم از مهاجران و انصار، منافقان و یهود. سوره های مدنی مؤمنان را به پیمودن صراط مستقیم تشویق می کند و قوانین و احکام مربوط به زندگی فردی و اجتماعی آنها را بیان می نماید (صبحی، ۱۸۴). از این رو، هر سوره ای که در آن حدود و فرایض باشد مدنی است (زرکشی، ۱/۱۸۸). این ضابطه را صبحی صالح کامل می کند و می گوید: هر سوره ای که در آن تفصیل احکام حدود و فرایض و حقوق و قوانین اجتماعی باشد مدنی است (صبحی، ۱۸۳)؛ چرا که بعضی از احکام در سوره های مکی نیز آمده است.

همچنین هر سوره ای که در آن، صحبت از جهاد و بیان احکام آن است مدنی است (صبحی، ۱۸۳). در مکه بنای دعوت بر تسامح و تساهل بود. مدارا و چشم پوشی، عفو و گذشت در سرلوحه کارها قرار داشت، ولی در مدینه جنگ و جهاد جایگزین اینها شد (رامیار، ۶۰۷). نماز خوف در مکه نمی توانست تشریح شود. چون نماز خوف خاص جنگ است و مؤمنان در مکه اجازه جنگ نداشتند (صبحی، ۱۸۵). و همچنین تشریح زکات در مکه معنی نداشت، چون مؤمنان همه فقیر بودند؛ ولی زکات در مدینه اساس اجتماع نوین قرار گرفت (رامیار، ۶۹).

نیز هر سوره‌ای که در آن احکام فرعی مطرح شده است مدنی است (حکیم، ۶۴). استاد میرمحمدی می‌گوید: این علامت قابل اعتماد نیست چون ما گاهی، و لو کم، در سوره‌های مکی هم احکام فرعی می‌بینیم: «در سوره انعام: اقيموا الصلاة، لا تقتلوا اولادکم من اطلاق، لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن، لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق، و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن، اوفوا الکيل و الميزان؛ در سوره اعراف: من حرم زينة الله التي اخرج لعباده، قل انما حرم ربی الفواحش؛ در سوره ابراهيم: قل لعبادى الذين آمنوا يقيموا الصلاة و ينفقوا مما رزقناهم؛ در سوره اسراء: لا تقربوا الزنا؛ در سوره مؤمنون: الذين هم فى صلاتهم خاشعون؛ و در سوره نجم مردم را به سجود امر می‌کند ولی در سایر سوره‌ها احکام فرعی نیست (میرمحمدی، ۳۳۲-۳۳۳). ولی به نظر نگارنده، ایراد ایشان وارد نیست، چون همه موارد مذکور از احکام اصلی هستند نه فرعی. در مکه بعضی از احکام اصلی نازل شده است، مثل خواندن نماز، انفاق، استفاده از زینت‌های حلال و همچنین نهی از دخترکشی و قتل نفس، خوردن مال یتیم و کم‌فروشی؛ ولی جزئیات آنها نازل نشده است.

از ویژگی‌های دیگر سوره مدنی تفصیل براهین و ادله حقایق دینی است (صبحی، ۱۸۴) و نیز تفصیل آنچه در مکه مجمل بیان شده است (رامیار، ۶۰۸).

نیز هر سوره‌ای که در آن ذکر منافقان است، مدنی است بجز عنکبوت (زرکشی، ۱۸۸). زرقانی گوید: سوره عنکبوت - بجز یازده آیه اول آن که در آنها ذکر منافقان رفته است - مکی است (زرقانی، ۲۰۰/۱). ذکر منافقان از آن رو در مدینه مطرح شد که اسلام در مدینه شوکت یافت و گروهی از مردم که دلی سیاه داشتند، طمع یا ترس آنان را به قبول اسلام واداشت، از این رو دل به جانب دیگر و زبان به اسلام دادند (رامیار، ۶۰۷). از دیگر ویژگی‌های سوره مدنی این است که اهل کتاب، اعم از یهود و نصاری را به اسلام دعوت می‌کند و در عقاید باطلشان با آنها جدل می‌نماید، مثل سوره‌های آل عمران، مائده و فتح (زرقانی، ۲۰۷) و آنان را به مشترکات فرا می‌خواند (صبحی، ۱۸۴).

ویژگیها و نشانه‌های بلاغی سوره‌های مدنی

۱. قرآن در مدینه راه اطناب و تطویل را در سوره‌ها و آیاتش پیمود، چون اهل مدینه

در هوش و فصاحت مثل اهل مکه نبودند. از این رو، مناسب این بود که مطالب، به صورت مشروح برایشان گفته شود (زرقانی، ۲۰۷/۱).

۲. لحن سوره‌ها و آیات مدنی آرام است، چون مردم مدینه پذیرای اسلام بودند (رامیار، ۶۰۸).

تعیین سوره‌های مکی و مدنی

برای شناسایی سوره‌های مکی و مدنی دو طریق ذکر شده است: سماعی و قیاسی. از طریق سماعی با بررسی پانزده^۱ روایت که برای ترتیب سوره‌های مکی و مدنی ذکر شده، نتایج زیر به دست آمده است:

۷۴ سوره به اتفاق مکی است که عبارت‌اند از:

علق، قلم، مزمل، مدثر، مسد، تکویر، اعلی، ضحی، انشراح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون، فیل، نجم، عبس، شمس، بروج، تین، قریش، قارعه، قیامه، همزه، مرسلات، ق، بلد، طارق، قمر، ص، جن، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، واقعه، شعراء، نمل، قصص، اسراء، هود، یوسف، حجر، انعام، صافات، لقمان، سبأ، زمر، مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف، ذاریات، غاشیه، کهف، نوح، ابراهیم، انبیاء، مؤنون، سجده، طور، ملک، حاقه، معارج، نبأ، نازعات، انفطار، انشراق و روم.

۱۵ سوره به اتفاق مدنی است که عبارت‌اند از:

بقره، آل عمران، ممتحنه، نساء، حدید، محمد(ص)، طلاق، حشر، نور، مجادله، تحریم، مائده، توبه، نصر.

۱. مجموعه این پانزده روایت را می‌توان در منابع زیر یافت:

۱. ابو حمزه ثمالی از ابن عباس (طبرسی، ۴۰۵/۱۰). ۲. ابن ضریس از ابن عباس (سیوطی، ۴۲/۱).
۳. بیهقی از حسن بن ابی الحسن (سیوطی، ۴۰/۱). ۴. ابو عبید از علی بن طلحه (سیوطی، ۴۳/۱).
۵. ابو بکر بن انباری از قتاده (سیوطی، ۴۴/۱). ۶. بقاعی (ابیاری، ۳۲۹/۱).
۷. ابوالحسن بن حصار (سیوطی، ۴۴/۱). ۸. ابن ندیم، ۴۲. ۹. عمر بن عبدالکافی (بدوی، ۷۶).
۱۰. زرکشی، (۱۹۳/۱). ۱۱. علمای مصر ۱۳۲۲ ق (بدوی، ۷۸). ۱۲. ابراهیم ابیاری، (ابیاری، ۱/۳۳۲).
۱۳. دکتر رامیار، (رامیار، ۲۶۵). ۱۴. آقای معرفت، (معرفت، ۱۰۴/۱). ۱۵. نولدکه (بدوی، ۸۴).

و بالاخره ۲۵ سوره نیز اختلافی است، به عنوان مثال سوره لیل بنا بر ۱۴ روایت مکی است و سوره انفال بنا بر ۱۴ روایت مدنی است.

بر مبنای این تحقیق می‌توان با معیارهایی که از بررسی سوره‌های قطعی مکی یا مدنی به دست می‌آید، به ارزیابی سوره‌های اختلافی پرداخت و درباره مکی یا مدنی بودن آنها حکم صادر کرد. به عنوان نمونه به بررسی سوره الرحمن که یکی از سوره‌های اختلافی است، می‌پردازیم.

در این سوره، هیچ‌یک از نشانه‌های سوره مدنی را مشاهده نمی‌کنیم، بلکه بر عکس، در آن نشانه‌های فراوانی را از سوره‌های مکی می‌بینیم که عبارت‌اند از: ۱. لفظ «الرحمن»؛ ۲. آهنگین بودن آیات؛ ۳. تکذیب مخاطبان که آیه «فبأی آلاء ربکما تکذبان» گویای آن است؛ ۴. اشاره به آثار خدا در هستی، مانند خلق الانسان من صلصال کالفخار، رب المشرقین والمغربین، مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان و ... ۵. وصف جهنم و تهدید مخاطبان در آیات: یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس، و ... ۶. تکرار آیه فبأی آلاء ربکما تکذبان؛ ۷. ذکر معاد و نشانه‌های قیامت در آیات: فاذا انشقت السماء فکانت ورده کالدهان، و ... ۸. وصف بهشت در ۱۶ آیه؛ ۹. سجع که ۶۹ آیه از ۸۷ آیه این سوره دارای فاصله «ن» است.

بنا بر این، به طور قطع می‌توانیم حکم به مکی بودن این سوره بدهیم.

منابع:

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، چاپخانه بانک بازگانی ایران، تهران، ۱۳۴۶ ش.

ابیاری، ابراهیم، الموسوعة القرآنیة، مؤسسة سجل العربی، ۱۴۰۵ ق.

بدوی، عبدالرحمن، بولتن مرجع (۲)، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۷ ش.

بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه د. رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ ق.

حجتی، سید محمد باقر، تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ ش.

حکیم، سید محمد باقر، علوم قرآن، المجمع العلمی الاسلامی، طهران، ۱۴۰۳ ق.

رامیار، تاریخ قرآن، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.

روحانی، محمود، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، مشهد، انتشارات آستان قدس

رضوى، ١٣٦٨ ش.

زرقانى، محمد عبدالعظيم، مناهل العرفان فى علوم القرآن، شرح احمد شمس الدين، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٩ ق.

زركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار احياء الكتب العربية، ١٣٧٦ ق.

سيوطى، جلال الدين عبدالرحمان، الاتقان فى علوم القرآن، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، انتشارات شريف رضى.

صبحى، صالح، مباحث فى علوم القرآن، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٦٨ م.

طباطبائى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، ترجمه سيد محمد باقر موسى همدانى، كانون انتشارات محمدى، ١٣٤٧ ش.

طبرسى، شيخ ابو على فضل بن حسن، مجمع البيان، بيروت، احياء التراث العربى، ١٣٧٩ ق.
عبدالباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، قاهره، دارالكتب المصرية، ١٣٦٤ ش.

معرفت، محمد هادى، التمهيد فى علوم قرآن، قم، ١٣٩٦ ق.

همو، تاريخ قرآن، تهران، سمت، ١٣٧٥ ش.

مير محمدى، ابوالفضل، بحوث فى تاريخ القرآن و علومه، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٠ ق.